تشکیل کمیته برای تامین برق صنایع و مدیریت عرضه در بورس انرژی

سیدجواد حسینی کیا، عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی درباره نشست مشترک اعضای کمیسیون صنایع و معادن مجلس با وزیر نیرو و معاونان این وزارتخانه اعلام کرد: در این جلسه بر ضرورت هماهنگی میان وزارت نیرو و سایر دستگاه‌های مرتبط برای جلوگیری از بروز مشکل در تامین برق واحدهای صنعتی در فصل اوج مصرف تاکید شد. عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی با اشاره به مباحث مطرح‌شده در این نشست افزود: مقرر شد یک کمیته مشترک در حوزه انرژی تشکیل شود تا بر اساس آن، اولویت‌بندی مشخصی برای تامین برق واحدهای صنعتی تدوین شود و تخصیص انرژی به گونه‌ای انجام گیرد که بیشترین حمایت از بخش تولید و کمترین آسیب به واحدهای صنعتی وارد شود. حسینی کیا با بیان اینکه ساختار مصرف و تامین برق در بخش صنعت نیازمند تفکیک و برنامه‌ریزی دقیق است، گفت: در این چارچوب، واحدهای صنعتی بزرگ می‌توانند با احداث یا در اختیار داشتن نیروگاه‌های اختصاصی بخشی از نیاز خود را تامین کنند، واحدهای متوسط از طریق سازوکار بورس انرژی اقدام به خرید برق کنند و سایر واحدها نیز با مدیریت وزارت نیرو تحت یک نظام یکپارچه تامین انرژی قرار گیرند. او تاکید کرد: هدف اصلی از این مدل، ایجاد یک نظام منسجم برای توزیع انرژی است تا در شرایط اوج مصرف و محدودیت‌های شبکه، تولید کشور کمترین آسیب را ببیند و پایداری فعالیت واحدهای صنعتی حفظ شود. این عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس با اشاره به نقش بورس انرژی در این فرآیند گفت: در جلسه تاکید شد که نحوه عرضه و تامین انرژی در بورس باید با همکاری مشترک وزارت نیرو و وزارت صنعت، معدن و تجارت ساماندهی شود تا هم شفافیت بازار حفظ و هم دسترسی صنایع به انرژی تسهیل شود. حسینی کیا اعلام کرد: مجلس آمادگی دارد در صورت نیاز از طریق اصلاح یا رفع خلأهای قانونی، از این روند حمایتی پشتیبانی کند تا زیرساخت‌های لازم برای مدیریت پایدار انرژی در بخش صنعت کشور فراهم شود.

لزوم استفاده سرمایه‌گذاران خرد از صندوق‌ها

میثم فدایی، کارشناس بازار سرمایه با تاکید بر اهمیت سرمایه‌گذاری غیرمستقیم برای افراد فاقد دانش و تجربه کافی در بازار سرمایه گفت: «بهترین راهکار برای این دسته از سرمایه‌گذاران، استفاده از صندوق‌های سرمایه‌گذاری است، زیرا این صندوق‌ها امکان مدیریت حرفه‌ای دارایی‌ها را فراهم می‌کنند و افراد می‌توانند بدون نیاز به تخصص مستقیم، از ظرفیت‌های بازار سرمایه بهره‌مند شوند.» او افزود: «افرادی که سرمایه‌های بزرگ‌تری در اختیار دارند نیز می‌توانند از خدمات سبدگردانی اختصاصی استفاده کنند. در این روش، مدیریت دارایی‌ها توسط تیم‌های حرفه‌ای و معامله‌گران متخصص انجام می‌شود و ترکیب سرمایه‌گذاری متناسب با میزان ریسک‌پذیری هر فرد طراحی خواهد شد.» فدایی با اشاره به تنوع ابزارهای سرمایه‌گذاری در بازار سرمایه اعلام کرد: «سرمایه‌گذاران با سطح ریسک‌پذیری بالا می‌توانند از ابزارهایی مانند معاملات اختیار معامله (آپشن)، سرمایه‌گذاری مستقیم در سهام یا صندوق‌های اهرمی استفاده کنند. در مقابل، افرادی که ریسک‌پذیری متوسط دارند، می‌توانند ترکیبی از صندوق‌های سهامی، درآمد ثابت و طلا را در پرتفوی خود قرار دهند تا ضمن بهره‌مندی از فرصت‌های بازار، ریسک سرمایه‌گذاری خود را نیز مدیریت کنند.» مدیر گروه خدمات سرمایه آبان ادامه داد: «برای سرمایه‌گذاران ریسک‌گریز نیز صندوق‌های درآمد ثابت، صندوق‌های تضمین اصل سرمایه و صندوق‌های مبتنی بر اوراق بدهی گزینه‌های مناسبی به شمار می‌روند. توسعه بیشتر صندوق‌های تضمین سرمایه می‌تواند اطمینان خاطر بیشتری برای این دسته از سرمایه‌گذاران ایجاد کند، زیرا آنها می‌دانند اصل سرمایه یا حداقل بازدهی مشخصی برایشان حفظ خواهد شد.» او در بخش دیگری از سخنان خود، توسعه صندوق‌های هدف‌محور را یکی از مسیرهای مهم گسترش سرمایه‌گذاری غیرمستقیم دانست و گفت: «طراحی صندوق‌هایی متناسب با نیازهای مختلف جامعه، از جمله صندوق‌های بازنشستگی یا صندوق‌های پس‌انداز مسکن می‌تواند به جذب سرمایه‌گذاران جدید و افزایش مشارکت عمومی در بازار سرمایه کمک کند.» فدایی همچنین بر ضرورت افزایش شفافیت و رتبه‌بندی صندوق‌های سرمایه‌گذاری تاکید کرد و افزود: «سرمایه‌گذاران باید بتوانند به سادگی عملکرد و ویژگی‌های صندوق‌ها را با یکدیگر مقایسه کنند. تدوین شاخص‌های استاندارد برای ارزیابی بازده و ریسک صندوق‌ها و ارایه اطلاعات به زبان ساده و قابل فهم، می‌تواند فرآیند تصمیم‌گیری را برای عموم مردم تسهیل کند.» او فرهنگ‌سازی و آموزش عمومی را نیز از دیگر الزامات توسعه سرمایه‌گذاری غیرمستقیم برشمرد و گفت: «اقدامات آموزشی سازمان بورس در سال‌های اخیر قابل توجه بوده است، اما همچنان ظرفیت زیادی برای توسعه آموزش‌های کاربردی و عمومی وجود دارد. همچنین طراحی ابزارهای مقایسه‌ای برای صندوق‌های سرمایه‌گذاری می‌تواند به افزایش آگاهی سرمایه‌گذاران و انتخاب آگاهانه‌تر آنها کمک کند.» مدیر گروه خدمات سرمایه آبان تاکید کرد: «توسعه صندوق‌های تضمین سرمایه و طراحی ابزارهای متناسب با نیازهای متنوع سرمایه‌گذاران می‌تواند نقش مهمی در افزایش اعتماد عمومی به بازار سرمایه و گسترش سرمایه‌گذاری غیرمستقیم ایفا کند.»

«تعادل» روند معاملات بازار سهام را بررسی می‌کند

رالی تاریخی بورس

بورس تهران پس از بازگشایی خود داشت آرام آرام پله‌های ترقی و صعودی را طی می‌کرد که تفاهمنامه و امضای آن باعث شد سرعت رشد شاخص و قیمت‌ها در بورس چند برابر شود و شاهد سبزپوشی یکپارچه تمامی شاخص‌ها باشیم؛ این شرایط در حالی رخ می‌دهد که بازارهای موازی جانی برای ادامه دادن ندارند و هر روز شاهد آن هستیم که قیمت‌ها در این بازارها تعدیل و با کاهش مواجه می‌شوند. البته طی روز اخیر به واسطه تغییرات در اخبار شاهد رشد نسبی قیمت‌ها در برخی بازارها بودیم، اما به‌طور کل روند بازارها اصلاحی است. اما بورس تهران هر روز رکوردشکنی می‌کند و هفته گذشته برای اولین‌بار در تاریخ رکورد ورود نقدینگی به بورس شکست. در روز معاملاتی گذشته دومین رکورد ارزش معاملات خرد در تاریخ بورس شکسته شد، دلایل مختلفی برای رشد بورس وجود دارد، اما مهم‌ترین علت را می‌توان اخبار مثبت سیاسی دانست، در حال حاضر با خبر توافق است که نقدینگی با سرعت بیشتری به سمت و سوی بورس روانه می‌شود. از سوی دیگر عقب ماندگی بورس و گزارش‌های مثبت ۱۲ ماهه نیز یکی دیگر از دلایل مهم برای ورود نقدینگی به بازار به حساب می‌آید. اکثر شرکت‌ها گزارش‌های مطلوبی منتشر کرده‌اند و بر همین اساس انتظار می‌رود که نقدینگی با سرعت بیشتری به سمت و سوی بورس حرکت کند، بررسی‌ها نشان می‌دهد اغلب شرکت‌های صنایع پتروشیمی، پالایشی و بانکی و حتی غذایی گزارش‌های قابل توجهی داشته‌اند و همین موضوع باعث شده که توجه سرمایه‌گذاران بیش از پیش به بورس جلب شود. از سوی دیگر ترافیک مجامع نیز باعث شده که انگیزه ورود نقدینگی به بورس افزایش یابد. خرداد و تیرماه فصل برگزاری مجامع شرکت‌هاست و تجربه هر ساله نشان می‌دهد که بسیاری از سرمایه‌گذاران برای کسب سود نقدی در این دوره اقدام به خرید سهام می‌کنند. در سال‌های گذشته گروه‌های پتروپالایشی، فلزات اساسی، سیمانی‌ها و دارویی‌ها به دلیل تقسیم سود حداکثری و روند سودسازی بسیار خوب همواره گزینه خرید سهام بسیاری از سهامداران به حساب می‌آمدند؛ اما بررسی‌ها نشان می‌دهد که در سال جاری به دلیل شرایط مختلف از جمله جنگ نوع سرمایه‌گذاری نیز تغییر کرده و گزارش‌های سالانه خوب معدنی‌ها، شرکت‌های سرب وروی، زراعت، لبنیاتی و غذایی نیز جذابیت بسیار خوبی پیدا کرده و تبدیل به یک گزینه جدی برای سرمایه‌گذاری شده است و همین موضوع باعث شد که طی هفته‌های اخیر شاهد رکوردشکنی قابل توجه در ورود پول و شاخص‌های بازار بودیم.

بازار از دریچه معاملات

معاملات اولین روز کاری هفته در حالی به پایان رسید که نماگر اصلی بازار با رشدی ناچیز، سطح ۵ میلیون و ۱۶۰ هزار واحدی را حفظ کرد. شاخص کل بورس با افزایش ۹ هزار و ۹ واحدی، معادل ۰.۱۷ درصد رشد، در ارتفاع ۵ میلیون و ۱۶۰ هزار و ۱۰۳ واحد ایستاد. در همین حال، شاخص کل هم‌وزن نیز با افزایشی محدود برابر با ۷۰۵ واحد معادل ۰.۰۵ درصد در سطح یک میلیون و ۳۵۲ هزار و ۹۲۸ واحد قرار گرفت. این رشد حداقلی در حالی ثبت شد که بازار در ساعات ابتدایی، تصویری کاملا متفاوت و بسیار خوش‌بینانه‌تر را به نمایش گذاشته بود. طی روز شنبه بورس تهران یکی از پرنوسان‌ترین روزهای خود را تجربه کرد. در دقایق ابتدایی معاملات، موتور خریدها به قدری قدرتمند روشن شد که شاخص کل در کمتر از یک ساعت، جهشی خیره‌کننده معادل ۹۰ هزار واحد را به ثبت رساند. در آن مقطع، نماگر اصلی تا محدوده ۵ میلیون و ۲۴۰ هزار واحد پیشروی کرد و بسیاری از تحلیلگران تصور می‌کردند که موج صعودی روزهای گذشته با همان قدرت ادامه خواهد یافت و بازار دوباره رکوردشکن خواهد شد. اما این فضای رویایی از حوالی ساعت ۱۰ صبح دستخوش تغییر شد. با رسیدن قیمت‌ها به سطوح مقاومتی و افزایش تمایل به فروش میان معامله‌گرانی که در روزهای اخیر سودهای مناسبی کسب کرده بودند، موج عرضه افزایش یافت. این فشار فروش به حدی بود که تا ساعت ۱۱:۳۰، شاخص کل بخش بزرگی از رشد اولیه خود را از دست داد و به نزدیکی محدوده معاملاتی روز گذشته بازگشت. هرچند در ساعت پایانی معاملات، برخی نمادها دوباره با تقاضا مواجه شدند و بازار کمی بهبود یافت، اما این بازگشت برای جبران عقب‌نشینی از سقف روزانه کافی نبود. آمار نهایی معاملات به وضوح نشان می‌دهد که کفه ترازو به نفع فروشندگان سنگینی کرده است. در پایان جریان داد و ستدها، ۴۸۲ نماد در محدوده منفی به کار خود پایان دادند و تنها ۳۴۵ نماد توانستند رنگ سبز خود را حفظ کنند. این توزیع نامتوازن قیمت‌ها نشان می‌دهد که برخلاف روزهای قبل، رشد بازار فراگیر نبوده و بیشتر حول محور چند نماد شاخص‌ساز چرخیده است. تعداد صف‌های فروش به ۳۰۸ نماد افزایش یافت، در حالی که ۲۳۰ نماد در صف خرید باقی ماندند. این وضعیت در مقایسه با روزهای اوج بازار که صف‌های خرید با اقتدار بر بازار حاکم بودند، نشان‌دهنده فروکش کردن شدت تقاضای هیجانی و افزایش تمایل سرمایه‌گذاران به خروج موقت از بازار یا جابه‌جایی نقدینگی است. یکی از آمارهای نگران‌کننده معاملات روز شنبه برای سهامداران خرد، شکاف میان سرانه خرید و سرانه فروش حقیقی‌ها بود. گزارش‌ها نشان می‌دهد که سرانه فروش هر کد حقیقی به ۱۳۵.۴ میلیون تومان رسیده است، در حالی که در سمت مقابل، سرانه خرید حقیقی‌ها در سطح ۱۰۷.۶ میلیون تومان متوقف شده است. این اختلاف باعث شد تا نسبت قدرت خریدار به فروشنده حقیقی به عدد منفی ۱.۲۶ برسد. از نظر تحلیلگران تکنیکال و تابلوخوان‌ها، زمانی که سرانه فروش از سرانه خرید پیشی می‌گیرد، نشان‌دهنده آن است که پول‌های بزرگ‌تر و سهامداران عمده‌تر در حال واگذاری سهام خود به کدهای خرد هستند که معمولا به عنوان یک سیگنال احتیاطی در کوتاه‌مدت تلقی می‌شود. درست است، روز گذشته بازار شرایط چندان خوبی نداشت، اما یک مساله مهم همچنان در بازار خودنمایی می‌کند، آن هم ارزش معاملات خرد است. گردش نقدینگی در تالار شیشه‌ای همچنان در سطوح بسیار بالایی قرار دارد که نشان‌دهنده زنده بودن بازار است. ارزش معاملات خرد سهام، حق تقدم و صندوق‌های سهامی به رقم خیره‌کننده ۴۷ هزار و ۶۵۴ میلیارد تومان رسید. همچنین حجم معاملات نیز از مرز ۱۰۷ میلیارد برگه سهم عبور کرد. بالا بودن ارزش معاملات در روزهای منفی یا متعادل، شمشیری دو لبه است؛ از یک سو نشان‌دهنده نقدشوندگی بالای بازار است و از سوی دیگر، حکایت از دست‌به دست شدن گسترده سهام دارد که می‌تواند پیش‌زمینه یک اصلاح زمانی یا قیمتی در روزهای آتی باشد. در پایان معاملات روز گذشته، بیش از ۳ هزار و ۷۵۸ میلیارد تومان پول حقیقی از بازار سهام خارج شد که یکی از بزرگ‌ترین خروج پول‌های هفته‌های اخیر به شمار می‌آید. اما نکته جالب توجه اینجاست که صندوق‌های درآمد ثابت نیز با خروج حدود هزار و ۹۲۶ میلیارد تومان نقدینگی مواجه شدند. این تضاد آماری نشان می‌دهد که بخشی از سرمایه‌گذاران که از بورس خارج شده‌اند، فعلا تمایلی به پارک کردن پول خود در صندوق‌های با درآمد ثابت ندارند و احتمالا به دنبال شکار فرصت در بازارهای موازی نظیر طلا، ارز یا مسکن هستند یا منتظرند تا پس از یک اصلاح قیمتی، دوباره در قیمت‌های پایین‌تر وارد بازار سهام شوند. به‌طور کلی بررسی روند معاملات نشان می‌دهد که بازار پس از تجربه یک رالی صعودی سنگین اکنون وارد یک فاز استراحت و بازنگری شده است. معاملات نشان داد که حتی در مثبت‌ترین اتمسفر سیاسی نیز متغیرهای فنی بازار نظیر لزوم اصلاح قیمت‌ها و پر شدن گپ‌های معاملاتی کارکرد خود را دارند. بسیاری از تحلیلگران پیش‌بینی می‌کنند که طی روزهای آتی نیز، بازار رفتاری متعادل‌تر و تحلیل‌محورتر را در پیش بگیرد و جدال میان خریداران خوشبین و فروشندگان محتاط، روند نوسانی شاخص را رقم بزنند. فعالان بازار اکنون باید با دقت بیشتری به نسبت‌های تابلو و اخبار پیرامونی توجه کنند تا در موج‌های اصلاحی احتمالی، دچار تصمیمات هیجانی نشوند.

سرنوشت سرمایه‌ها پس از تفاهم سیاسی

تفاهم اخیر میان تهران و واشنگتن، در همان روزهای نخست اعلام و انتشار خبرهای مرتبط با آن، به یکی از مهم‌ترین متغیرهای اثرگذار بر بازارهای مالی ایران تبدیل شد؛ متغیری که توانست در کوتاه‌مدت آرایش سنتی بازارها را تغییر دهد و مسیر حرکت سرمایه‌ها را از بازارهای موازی به سمت تالار شیشه‌ای سوق دهد. کاهش قیمت دلار و طلا، رشد تقاضا در بورس و ثبت ورود قابل توجه پول حقیقی، نشانه‌هایی بود که در ابتدای این موج سیاسی -اقتصادی دیده شد. با این حال، گذشت چند روز و بازگشت تدریجی احتیاط به فضای معاملات، پرسشی جدی را بار دیگر پیش روی فعالان اقتصادی قرار داده است: آیا این تغییر مسیر سرمایه‌ها آغاز یک روند پایدار در اقتصاد و بازار سرمایه است یا تنها واکنشی کوتاه‌مدت به یک خبر سیاسی محسوب می‌شود؟ بررسی رفتار بازارها در روزهای اخیر نشان می‌دهد که تفاهم تهران و واشنگتن اگرچه در ابتدا با واکنش مثبت سرمایه‌گذاران، به‌ویژه در بازار سهام همراه شد، اما هنوز نتوانسته ابهام‌های اصلی فعالان اقتصادی را برطرف کند. بازار سرمایه که در ماه‌های گذشته تحت تاثیر ریسک‌های سیاسی، نوسان نرخ ارز، تورم و نگرانی از آینده اقتصاد با احتیاط معامله می‌شد، پس از انتشار خبر تفاهم، برای مدتی کوتاه شاهد افزایش تقاضا و ورود گسترده پول حقیقی بود. بسیاری از سهامداران این رویداد را به‌منزله کاهش یکی از مهم‌ترین ریسک‌های بیرونی اقتصاد ارزیابی کردند و همین موضوع باعث شد جریان نقدینگی تازه‌ای به سمت بورس حرکت کند. در نخستین روزهای پس از شکل‌گیری این فضای جدید، شاخص‌های بورسی با رشد همراه شدند و صف‌های خرید در بسیاری از نمادها شکل گرفت؛ حتی برخی نمادهایی که از منظر بنیادی پشتوانه قدرتمندی نداشتند نیز تحت تاثیر هیجان عمومی بازار با افزایش تقاضا مواجه شدند. این رفتار نشان می‌داد که بخش مهمی از سرمایه‌گذاران، پیش از آنکه منتظر روشن شدن جزییات اقتصادی تفاهم بمانند، تلاش کردند خود را با انتظارات جدید بازار هماهنگ کنند. در چنین شرایطی کاهش همزمان قیمت دلار و طلا نیز این تصور را تقویت کرد که ممکن است بخشی از سرمایه‌های پارک‌شده در بازارهای موازی راهی بورس شود. با این حال، این روند پرشتاب چندان بدون توقف ادامه نیافت. در روزهای بعد، از شدت هیجان خرید در بورس کاسته شد و همزمان نشانه‌هایی از افزایش مجدد نرخ دلار و طلا در بازار دیده شد. همین تغییر رفتار موجب شد بسیاری از تحلیلگران نسبت به پایداری موج ورود پول به بورس با احتیاط بیشتری اظهارنظر کنند. به باور آنان، هرچند جابه‌جایی نقدینگی از بازارهای ارز و طلا به سمت سهام اتفاقی مهم است، اما برای تبدیل شدن به یک روند ماندگار، نیازمند پشتوانه‌های بنیادی و تغییرات واقعی در متغیرهای کلان اقتصادی است. براساس گزارش تسنیم، یکی از نکات مهمی که کارشناسان بر آن تاکید دارند، تفاوت میان «تفاهم» و «توافق» است. آنچه در روزهای اخیر رخ داده، بیش از آنکه به معنای نهایی شدن یک توافق جامع و اثرگذار بر اقتصاد باشد، نشانه‌ای از آغاز یا ادامه یک مسیر دیپلماتیک است. به همین دلیل، فعالان اقتصادی هنوز تصویر روشنی از نتایج عملی آن در اختیار ندارند. از نگاه بازارها، آنچه اهمیت دارد تنها خبر آغاز مذاکرات یا تفاهم اولیه نیست، بلکه میزان اثرگذاری آن بر درآمدهای ارزی، تجارت خارجی، صادرات، واردات، نظام بانکی، هزینه‌های مبادله و چشم‌انداز بودجه دولت است.

بازگشت نقدینگی به بورس

به عبارت دیگر، بازار سرمایه برای ادامه مسیر صعودی خود به خبرهای مثبت بیشتری نیاز دارد؛ خبرهایی که بتواند انتظارات فعالان اقتصادی را از سطح هیجان سیاسی به سطح تحلیل اقتصادی منتقل کند. اگر تفاهم اخیر بتواند در ادامه مسیر به کاهش محدودیت‌های تجاری، تسهیل مبادلات مالی، افزایش درآمدهای ارزی و بهبود چشم‌انداز شرکت‌های بورسی منجر شود، می‌توان انتظار داشت بخشی از ورود نقدینگی به بورس پایدارتر شود. اما اگر این تفاهم در حد سیگنال‌های سیاسی باقی بماند و در عمل تغییری در شاخص‌های اصلی اقتصاد ایجاد نکند، احتمال بازگشت بخشی از سرمایه‌ها به بازارهای موازی دور از ذهن نخواهد بود. از سوی دیگر، نباید فراموش کرد که بازار ارز در ایران تنها از اخبار سیاسی اثر نمی‌پذیرد. نرخ دلار در سال‌های گذشته تحت تاثیر عواملی مانند تورم مزمن، رشد نقدینگی، کسری بودجه، سطح درآمدهای ارزی و انتظارات تورمی قرار داشته است. بنابراین حتی اگر ریسک‌های سیاسی تا حدی کاهش یابد، مادامی که عوامل بنیادی اثرگذار بر نرخ ارز تغییر نکند، کاهش شدید و پایدار دلار با تردید همراه خواهد بود. همین مساله درباره بازار طلا نیز صدق می‌کند. طلا در ایران علاوه بر قیمت جهانی، به‌شدت از نرخ ارز داخلی تاثیر می‌پذیرد و به همین دلیل، هرگونه بازگشت انتظارات افزایشی در بازار ارز می‌تواند مسیر طلا را نیز تغییر دهد. در این میان، بورس بیش از سایر بازارها نسبت به کاهش ریسک‌های سیاسی واکنش مثبت نشان داده است. دلیل این مساله آن است که بسیاری از شرکت‌های بورسی در سال‌های گذشته به دلیل نااطمینانی‌های سیاسی، محدودیت‌های صادراتی، افزایش هزینه‌های مبادله و دشواری‌های نقل‌وانتقال پول با کاهش جذابیت سرمایه‌گذاری مواجه شده بودند. کاهش این ریسک‌ها، حتی در سطح انتظاری، می‌تواند ارزش گذاری سهام را تحت تاثیر قرار دهد و نگاه سرمایه‌گذاران را نسبت به آینده شرکت‌ها تغییر دهد. با این حال، رشد بازار سهام زمانی پایدار خواهد بود که سودآوری شرکت‌ها، گزارش‌های مالی، وضعیت فروش، نرخ‌های جهانی کالاها و سیاست‌های داخلی نیز از آن حمایت کند. فعالان بازار سرمایه اکنون بیش از هر زمان دیگری به دنبال نشانه‌های روشن از آینده هستند. آنها می‌خواهند بدانند تفاهم اخیر چه زمانی و چگونه می‌تواند بر جریان واقعی اقتصاد اثر بگذارد. آیا مسیر صادرات شرکت‌ها تسهیل خواهد شد؟ آیا هزینه‌های مالی و مبادلاتی کاهش پیدا می‌کند؟ آیا درآمدهای ارزی کشور افزایش می‌یابد؟ آیا بودجه دولت از فشار کسری فاصله می‌گیرد؟ پاسخ به این پرسش‌ها می‌تواند مسیر آتی بازارها را مشخص‌تر کند. تا زمانی که پاسخ روشنی برای این پرسش‌ها وجود نداشته باشد، رفتار سرمایه‌گذاران نیز ترکیبی از امید و احتیاط خواهد بود. کارشناسان معتقدند بازگشت احتیاط به معاملات بورس لزوما نشانه منفی نیست. بازار سرمایه برای ادامه روند صعودی سالم، نیازمند اصلاح‌های مقطعی، دست‌به‌دست شدن سهام و خروج هیجان از معاملات است. رشد شتاب‌زده و بدون پشتوانه، می‌تواند ریسک شکل‌گیری حباب در برخی نمادها را افزایش دهد. از این منظر، کاهش هیجان اولیه و حرکت بازار به سمت تحلیل‌محوری می‌تواند به سود بورس تمام شود. نکته مهم آن است که سرمایه‌گذاران میان شرکت‌های بنیادی و نمادهایی که صرفا به‌واسطه جو روانی بازار رشد کرده‌اند، تفاوت قائل شوند. در شرایط کنونی، توصیه بسیاری از تحلیلگران به سهامداران پرهیز از تصمیم‌های هیجانی است. سرمایه‌گذاری در بازاری که به‌شدت از اخبار سیاسی و اقتصادی اثر می‌پذیرد، نیازمند بررسی دقیق‌تر متغیرهاست. سهامداران باید به جای پیروی از موج‌های کوتاه‌مدت، گزارش‌های مالی شرکت‌ها، نسبت‌های ارزش‌گذاری، وضعیت فروش، حاشیه سود، بدهی‌ها و چشم‌انداز صنعت را مورد توجه قرار دهند. همچنین سرمایه‌گذاران باید این واقعیت را بپذیرند که هیچ بازاری در شرایط ابهام، مسیر یک‌طرفه و بدون نوسان ندارد. به نظر می‌رسد تفاهم اخیر تهران و واشنگتن بیش از هر چیز، انتظارات فعالان بازار را تغییر داده است. این تغییر انتظارات در کوتاه‌مدت به سود بورس و به زیان بازارهای ارز و طلا عمل کرد، اما برای تثبیت این روند، اقتصاد نیازمند نشانه‌های واقعی‌تری است. اگر در هفته‌ها و ماه‌های آینده خبرهای مثبت‌تری از روند مذاکرات، کاهش محدودیت‌ها و بهبود شاخص‌های اقتصادی منتشر شود، بورس می‌تواند همچنان مقصد بخشی از نقدینگی باشد. اما در صورت طولانی شدن ابهام‌ها یا بازگشت نگرانی‌ها، بازارهای موازی بار دیگر می‌توانند مورد توجه سرمایه‌گذاران قرار گیرند. در جمع‌بندی می‌توان گفت تفاهم اخیر اگرچه توانست در کوتاه‌مدت معادلات بازارهای مالی را تغییر دهد و بورس را در کانون توجه قرار دهد، اما هنوز برای قضاوت درباره پایداری این تغییر زود است. بازارها اکنون در مرحله انتظار قرار دارند؛ انتظاری برای مشاهده نتایج عملی یک رویداد سیاسی در متغیرهای واقعی اقتصاد. تا آن زمان، احتیاط، تحلیل بنیادی و پرهیز از رفتارهای هیجانی مهم‌ترین راهبردی است که می‌تواند سرمایه‌گذاران را در برابر نوسانات مقطعی محافظت کند.

اخبار

بازار سرمایه از کاهش ضرایب اعتباری آسیب می‌بیند؟

صدای بورس | امین سهل‌البیع، مدیرعامل کارگزاری کارآمد با اشاره به شرایط فعلی بازار سرمایه گفت: در حال حاضر تقاضا برای دریافت اعتبار در بازار به وفور وجود دارد و با توجه به فضای مثبت حاکم بر معاملات، منابع اعتباری موجود به سرعت جذب می‌شوند. از این رو، کاهش ضرایب اعتباری لزوما به افت معاملات منجر نخواهد شد. مدیرعامل کارگزاری کارآمد با تاکید بر آثار مثبت این تصمیم در حوزه مدیریت اعتبارات گفت: کاهش ضرایب ارزش تضمین دارایی‌ها می‌تواند به توزیع بهتر و متعادل‌تر اعتبار میان مشتریان منجر شود. همچنین این اقدام از منظر کنترل و مدیریت ریسک در شبکه کارگزاری‌ها نیز کارکرد مطلوبی خواهد داشت.
وی ادامه داد: در عین حال باید توجه داشت که ضرایب اعتباری فعلی همچنان در سطوح بالایی قرار دارند. برای مثال ضریب ۶۰ درصدی به این معناست که سرمایه‌گذاران پس از دریافت اعتبار همچنان امکان در اختیار داشتن دارایی‌هایی تا حدود ۲.۵ برابر سرمایه اولیه خود را خواهند داشت؛ بنابراین این ارقام را نمی‌توان محدودکننده تلقی کرد. سهل‌البیع اظهار داشت: این تصمیم را نباید یک سیاست انقباضی دانست. به نظر می‌رسد هدف اصلی از اجرای آن، ارتقای سازوکارهای مدیریت ریسک و افزایش پایداری نظام اعتباری در بازار سرمایه باشد. مدیرعامل کارگزاری کارآمد در پایان درباره احتمال تاثیر این تصمیم بر تسویه اعتبارات فعلی مشتریان نیز گفت: با توجه به سطح بالای تقاضا در بازار، بعید است تعدیل یا تسویه اعتبارات موجود فشار معناداری بر معاملات وارد کند و انتظار نمی‌رود این موضوع اثر محسوسی بر روند کلی بازار داشته باشد.

سیگنال بازگشت لیدرهای کامودیتی محور به بورس

ابراهیم سماوی، تحلیلگر بازارهای مالی با اشاره به آثار آزادسازی صادرات محصولات پتروشیمی و فولادی از جمله اسلب گفت: این موضوع را باید در دو سطح مورد بررسی قرار داد؛ نخست در سطح عملیاتی و سودآوری شرکت‌ها و دوم در سطح کلان بازار سرمایه که به کاهش ریسک، بهبود انتظارات و بازتعریف نرخ تنزیل در ارزش‌گذاری سهام مربوط می‌شود. وی افزود: طی ماه‌های اخیر اقتصاد ایران تحت تاثیر فضای امنیتی، محدودیت‌های صادراتی و نگرانی‌های مربوط به تامین نیاز داخل قرار داشت و بخشی از صادرات محصولات پتروشیمی و فولادی با محدودیت یا توقف مواجه شده بود. از سوی دیگر، ریسک‌های ژئوپلیتیک منطقه، سیاست‌های پولی امریکا و نوسانات بازارهای جهانی کالا نیز بر فضای فعالیت شرکت‌های صادرات‌محور اثرگذار بوده است. سماوی با بیان اینکه آزادسازی صادرات نباید صرفا یک خبر کوتاه‌مدت تلقی شود، گفت: این تصمیم می‌تواند نشانه‌ای از بازگشت تدریجی شرکت‌های بزرگ صادراتی به شرایط عادی فعالیت باشد. در صنعت پتروشیمی، نخستین اثر این اقدام کاهش فشار موجودی انبار و باز شدن مسیر فروش خارجی است. وی ادامه داد: زمانی که شرکت‌ها امکان صادرات نداشته باشند، حتی با وجود تولید مناسب، با محدودیت در فروش و کاهش انعطاف تجاری مواجه می‌شوند که در نهایت بر جریان نقدی عملیاتی آنها فشار وارد می‌کند. اما با رفع محدودیت‌ها، امکان فروش محصولات مازاد در بازارهای خارجی فراهم شده و تامین سرمایه در گردش نیز تسهیل می‌شود. این تحلیلگر بازار سرمایه تاکید کرد: شرکت‌هایی که بیش از ۵۰ درصد درآمد آنها از محل صادرات تامین می‌شود، بیشترین بهره را از این تصمیم خواهند برد. همچنین متانول‌سازها، تولیدکنندگان محصولات پلیمری و شرکت‌های دارای بازارهای صادراتی فعال، در میان برندگان اصلی این سیاست قرار دارند. سماوی درباره صنعت فولاد نیز گفت: زنجیره فولاد در ماه‌های اخیر تحت تاثیر محدودیت‌های انرژی، محدودیت‌های صادراتی و برخی ریسک‌های منطقه‌ای قرار داشت. در این میان، اسلب یکی از مهم‌ترین محصولات صادراتی فولاد ایران محسوب می‌شود و محدودیت در صادرات آن فشار قابل توجهی بر فروش و نقدینگی شرکت‌ها وارد کرده است. وی افزود: با آزادسازی صادرات اسلب و ورق‌های فولادی، انعطاف فروش شرکت‌ها افزایش می‌یابد و سرعت تبدیل محصولات به نقدینگی بهبود پیدا می‌کند. این موضوع در نهایت می‌تواند به تقویت اهرم عملیاتی و سودآوری شرکت‌های صادرات‌محور فولادی منجر شود. این کارشناس بازار سرمایه با اشاره به اثر این تصمیم بر بورس اظهار داشت: اهمیت این خبر تنها به بهبود سودآوری کوتاه‌مدت محدود نمی‌شود، زیرا بازار سرمایه معمولا انتظارات آینده را پیش از انعکاس در صورت‌های مالی قیمت‌گذاری می‌کند. به گفته وی، آزادسازی صادرات برای بازار این پیام را دارد که بخشی از محدودیت‌های عملیاتی شرکت‌های بزرگ صادراتی در حال کاهش است و همین موضوع می‌تواند از مسیر کاهش ریسک و سپس بهبود سودآوری، بر ارزش سهام این شرکت‌ها اثرگذار باشد. سماوی معتقد است در صورت تداوم این روند، نسبت‌های ارزش‌گذاری در صنایع پتروشیمی، فولادی و هلدینگ‌های مرتبط می‌تواند مورد بازنگری قرار گیرد و این صنایع بار دیگر نقش لیدر بازار را ایفا کنند. وی در عین حال به برخی ریسک‌ها نیز اشاره کرد و گفت: پایداری این اثر مثبت به استمرار سیاست آزادسازی صادرات بستگی دارد. همچنین وضعیت بازارهای جهانی کالا، رشد اقتصادی چین، سیاست‌های پولی امریکا و نوسانات قیمت انرژی همچنان از عوامل تعیین‌کننده برای چشم‌انداز این صنایع به شمار می‌روند. این تحلیلگر بازارهای مالی در پایان خاطرنشان کرد: وزن اثرات مثبت این تصمیم به‌مراتب بیشتر از ریسک‌های آن است.